

جواني علي (ع) الگويي براي جوانان

مي گویند باید از حضرت علي (ع) الگو بگیریم! اما چگونه؟!... من یک جوان هستم! یک جوان با خصوصیات خاص دوران جوانی! یک جوان با شور و نشاط خاص این دوران که به خنده و تفریح، به شور و احساسات نیاز دارد و الگویی که مرا به شور آورد ...



مي گویند باید از حضرت علي (ع) الگو بگیریم! اما چگونه؟!... من یک جوان هستم! یک جوان با خصوصیات خاص دوران جوانی! یک جوان با شور و نشاط خاص این دوران که به خنده و تفریح، به شور و احساسات نیاز دارد و الگویی که مرا به شور آورد .
با تمام این حرفها، باز هم الگو برای تو و برای همه، مولای متقیان است: و بخصوص جوانی شان

الگو گرفتن یک الگو

بله! خود امیر المومنین در جوانی شان، الگو داشته اند. الگوشان نیز پیامبر بوده است. از علي (ع) از شش سالگی همراه و همراز پیامبر و در خانه ایشان زندگی می کرده اند و در همه امور زندگی شان، حتی جزئی ترین مسایل هم به پیامبر اقتدا می نمودند یعنی خود ایشان هم از یک انسان کامل و والای دیگر الگو می گرفته اند
اما چگونه؟

پیامبر اکرم (ص) و علي (ع) همواره با هم بودند. از هنگام عبادت و خلوت در غار حرا گرفته تا مراحل مختلف دعوت خویشان دعوت عمومی در خانه خدا و حتی سفرهای تبلیغی پیامبر. علي (ع) همیشه اول صبح به دیدار پیامبر می رفت و آنگاه یکدیگر را شاداب در آغوش می کشیدند و احوال هم را می پرسیدند. آندو بزرگوار اوقات زیادی از شبانه روز را در کنار هم به کار و تلاش می پرداختند و گاه علي (ع) خالصانه عرق از پیشانی پیامبر پاک می کرد و ایشان صمیمانه از او تشکر می نمود
علي (ع) خود در این باره می فرماید: ((پیامبر (ص) مرا در دامان خود پرورید. من کودک بودم، پیامبر مرا چون فرزند خود در آغوش گرمش می فشرد و در استراحتگاه مخصوص خود جای می داد... هرگز نیافت که من دروغی بگویم و در کردار من اشتباهی رخ دهد. من همچون بچه شتری تازه که پیوسته به دنبال مادرش هست، دنبال او می رفتم. او هر روز نکته ای تازه ای از اخلاق برای من آشکار می ساخت و مرا فرمان می داد که در خط او حرکت کنم. ان حضرت مدتی از سال در کوه حرا به سر می برد و کسی جز من او را نمی دید... من نوروحی و رسالت را می دیدم و بوی خوش و دل انگیز نبوت را احساس می کردم ... موقعیتی که من در محضر رسول الله داشتم برای هیچ کس نبود))-

بسیار خوب! تمام این حرف ها درست! اما حضرت علي (ع)، پیامبر را می دیده اند و وجود ایشان را لمس می کرده اند و به ایشان اقتدا می کرده اند اما من چه که حضرت علي (ع) را نمی بینم، چگونه می توانم از ایشان الگو بگیرم؟!
تاریخ که روح، افعال و رفتار امیرالمومنین را دیده و نقل کرده است. از او استفاده کن! از دیدگان تاریخ!؟

شجاعت، جوانمردی و شورمندی حضرت علي (ع)

آری! مگر تو نمی گفتی الگویی می خواهی که تو را به شور بیاورد. آنچه می تواند یک جوان را به شور بیاورد، دیدن حماسه آفرینی ها و شورمندی های کسی است که به او علاقه مند است. حال چه کس دیگری را سراغ داری که به اندازه امیرالمومنین، حماسه آفریده باشد

در همان کودکی که مصادف بود با آغاز بعثت پیامبر، کودکان به تحریک مشرکان پیامبر را آزار می دادند و سنگ می پراندند. با شجاعت از اطراف پیامبر دور می کرد. چه کسی، شب را در بستری پر خطر بجای دیگری، بجای محبوبش خوابیده و از آن شب بعنوان لذت بخش ترین شب عمرش یاد کرده است؟ مگر رشادت های امیر المومنین در جنگ بدر را نشنیده ای؟ آن هنگام او فقط 25 سال داشته است و به گفته مورخین نیمی از کشته شدگان این جنگ با ضرب مشیر علي (ع) از پای درآمده بودند. می دانی در جنگ احد زمانی که علي (ع) 26 سال داشت، آنجا که در همان اوایل جنگ 9 پرچمدار لشکر دشمن را به خاک انداخت و بعد هنگامی که پیامبر در خطر محاصره بود پروانه وار به دور آن حضرت می چرخید و از وجود مبارکشان محافظت می کرد همه مردم چه ندایی را از آسمان شنیدند

لا فتی الا علی ، لا سیف الا ذوالفقار

علی از همه جوان ها بهتر است و ذوالفقار او از همه شمشیرها برنده تراست
اما جنگ خندق و شجاعت بی همتای علی (ع) و داوطلب شدن ایشان جهت مبارزه با عمرو بن عبدو یکی از نیریمند ترین مردان عرب
آری همانجا بود که پیامبر به واسطه اخلاص علی (ع) در این مقابله بی نظیر فرمود

ضربه علی یوم الخندق ، افضل من عبادہ ثقلین

به راستی که چنین جمله ای در وصف هیچ دلیر مرد دیگری بیان نشده ! در آن زمان امیر المومنین 28 سال بیشتر نداشت!
در جنگ خیبر نیز هنگامیکه تمام مردان با تجربه و جنگ دیده سپاه اسلام شکست خورده بازگشتند ، علی (ع) به میدان آمد و با فتح
قلعه محکم و مقاوم خیبر آن پیروزی بزرگ را برای اسلام به ارمغان آورد
به راستی که هیچ جوان دیگری ، چنین جوانی پر شور و هیجان انگیزی نداشته است
همه مردان بزرگ تاریخ بشریت و پیشاپیش همه آنها علی (ع) در دوران جوانی از رموز موفقیت به خوبی بهره برده ، راههای پر پیچ و
خم آن را با درخشندگی پشت سر نهاده ، توانسته اند کارهای بزرگی را به انجام رسانند

تفریح و شادی علی (ع)

می دانی ای دوست عزیز : من هم حرفهای تو را می پذیرم . اما جنگ و شور و حماسه بخشی از زندگی انسان است . چیزهای دیگری
هم هستند که آدمی باید به آنها هم توجه کند . یک الگوی کامل ، باید در آن زمینه ها هم حرف برای گفتن داشته باشد . اینطور نیست ؟

حتما همینطور است و من به تو می گویم که امیر المومنین در آن موارد هم ، الگویی قابل قبول و کامل ارایه می دهد . آخر تو درباره
زندگی امیرالمومنین چه فکر کرده ای؟
فکر می کنی تمام زندگی حضرت علی (ع) در جنگ و عبادت خلاصه شده؟
یعنی اینطور نبوده است !؟

نه که نبوده است ! حضرت علی (ع) ، مردی خوش رو و خندان بوده اند . همیشه تبسم بر لب داشته اند که دل مومنان را شاد می
کرده است . ایشان تفریح هم می کرده اند . منتها تفریح در دیدگاه امام علی (ع) ولگردی و اتلاف وقت یا روز را به شب رساندن نبود؟
پس تفریح علی (ع) چگونه بود؟
علی (ع) کار را تفریح می دانست

تفریح او را ، مسافرت ، کمک به دیگران ، تحصیل و تدریس ، سرودن ، نوشتن ، حفظ و قرائت قرآن ، مباحثه ، نگرستن به طبیعت و
ورزش تشکیل می داد . پرداختن به ورزشهای شمشیر بازی ، پرتاب نیزه ، اسب سواری ، کشتی ، وزنه برداری و شرکت در مسابقات
ورزشی هم برای ایشان جنبه تفریح داشته است

چقدر جالب بوده است ! احتمالا به دلیل همین دیدگاه امیرالمومنینسبت به تفریح و زندگی بوده است که اگر سرتاسر زندگی شان را
مرور کنیم ، لحظه ای توقف و سکون در آن نمی یابیم . گویی حتی یک لحظه هم با لحظه قبلی اش مشابه نبوده است و درست بدلیل
همین دیدگاه بود که شوخی و خنده هم در سیره مولای متقیان شکل دیگری داشت

امیر المومنین اهل شوخی و مزاح بود . اما نه شوخی های زننده و بی مزه ! بلکه مزاح های معنادار و آموزنده
هر گاه یکی از یاران و دوستانش را گرفته می دید با شوخی او را خوشحال می کرد تا اندکی از اندوهش کم شود . از همه مهمتر اینکه
شادی علی (ع) هنگامی بود که یک کافر ، مسلمان می شد . جنگی به پیروزی ختم می شد ، غذایی به فقیر می رساند ، دل غمدیده ای را
شاد می کرد ، مشکلی را از کسی مرتفع می کرد و کودک یتیمی را ذوق زده می نمود .
نکته دیگر هم این بود که مولای متقیان در شوخی هایش مراقب و محافظ حدود شرعی بود تا حتی به شوخی دروغ نگوید ، دل
مومنی را نشکند و یا با زن و دختر نامحرمی ، شوخی نماید

علی(ع) و ارتباط با زنان و دختران

به طور مثال همین چگونگی ارتباط داشتن با زنها و دخترهای نا محرم در جامعه ، یکی از معضلات امروز ما جوانهاست . بخاطر اینکه نه
الگوی مناسبی در مورد آن ارائه شده و نه دیدگاه دین در مورد آن به خوبی مشخص و تبیین شده است . تازه ، تندروی ها و کج روی
های گروهها و طبقات گوناگون در مرحله عمل را هم به آن اضافه کن

اگر به سیره امیرالمومنین دقت کنی ، می بینی که حضرت ، در سنین جوانی با زنان سالخورده سلام و احوالپرسی می نمود ولی با
دختران و زنان جوان نه ! حتی سلام هم نمی کرد . در حالیکه پیامبر در همان زمان با زنان و دختران جوان هم سلام و احوالپرسی می
کردند چون زمانی که علی (ع) 20 ساله و در عنفوان جوانی چنین عمل می نمود ، پیامبر اکرم قریب 50 سال از عمر شریفشان می
گذشت . بنابراین از آنجا که احتمال پیش آمدن گناه دست کم برای طرف مقابل دور از ذهن نبود ، علی (ع) این تربیت شده مکتب
پیامبر به عنوان یک جوان سعی داشت مسائل ارتباطی و حدود بین دختر و پسر و به عبارتی زن و مرد را مراعات کند . هر چند وجود
نازنین آن حضرت مبراو پاکیزه از هرگونه آلودگی بود

از طرفی پیامبرسه دختر جوان به نامهای زینب ، ام کلثوم و فاطمه در خانه داشتند ، با اینکه علی(ع) از کودکی به این خانه رفت و آمد

داشتند , اما در این رفت و آمدها نهایت دقت را بعمل می آوردند. درحالی که همین علی (ع) در دوران خلافتش وقتی که حدود 60 سال سن داشت و همسر شهیدی را نیاز به کمک دید به یاری او شتافت پس در ارتباط با افراد نامحرم , چیزی که بیش از همه اهمیت دارد نیت و انگیزه طرفین و از همه مهمتر عدم امکان وجود مفسده در این ارتباط برای هر دو نفر است یاری رساندن به نیازمند و در طلب رضای خدا آنهم در حد ضرورت مطلوبست و لیکن این سیره جدایی از بهانه جویی برای آشنایی و استمتاع و لذت جویی و هرگونه آلودگی دیگر است به راستی که کسی چون حضرت علی (ع) , در سنین جوانی اش و در ریزترین حرکات و رفتارهایش بهترین الگوی نسل جوان ماست .